

# به یاد سیمین بهبهانی به بهانه زادروزش

آخر تیر ماه برای من همواره یادآور تولد سیمین بهبهانی است. شاعری که از یکسو به سبب غزل‌های نوآورانه‌اش خصوصا به خاطر نوآوری‌هایی که در اوزان عروضی داشت و از سوی دیگر به خاطر زیست شریف و عزیزش، نامی ماندگار است که در تاریخ معاصر فرهنگ و هنر این سرزمین می‌درخشد. چنانکه می‌دانیم،

سیمین بهبهانی در خانواده‌ای اهل مطالعه و صاحب ذوق به دنیا آمد و رشد کرد و این، بیشک از خوشاقبالیهایی او بود. بزرگ شده بود. خودش در جاهایی روایت‌هایی از زندگی خود در دوران طفولیت و نوجوانی و... ارائه داده که در نوع خود جالب است. خصوصا وقتی که می‌دانیم چنان تجربه‌های زیست‌شده‌ای بعدها چگونه در شاعری این شاعر بلندآوازه موثر افتاد و کجاها ردش را برجای گذاشت. از ازدواج مجدد مادرش و اینکه در روز خواستگاری از مادر خود حضور داشت و بعد، عهده‌دار غمخواری و تیمارداری و به یک معنا بزرگ کردن خواهر کوچکی شد که مادرش از شوهر دوم خود به دنیا آورده بود. مادری اهل قلم، روزنامه‌نگار و شاعر.

از دیدار در نوجوانی با پروین اعتصامی تا شعرخوانی برای او و... سیمین بهبهانی پنج کتاب شعر در سال‌های قبل از انقلاب منتشر کرد که جز آخری، مابقی چندان اهمیتی در کارنامه او ندارند و بیشتر آثاری رمانتیک و گاهی ایده‌های اجتماعی ساده و تک بعدی و فاقد عمق و لایه‌های ادبی لازمند. گرچه سخن آهنگین او وقتی با بیان مستقیم آلام اجتماعی روزگار می‌آمیخت، پسند عوام را در همان مجموعه‌ها هم برمی‌آورد.

اهمیت بهبهانی در مقام شاعر اما با مجموعه پنجمش، حکایت «رستاخیز» آغاز می‌شود. کتابی که آشکارا حکایت از شهر شاعر نئوکلاسیک آوانگاردی داشت که اگرچه موزون و مقفا می‌سرود اما غزلش با بقیه انگار فرق داشت. سیمین بعد از انقلاب مجموعه «خطی ز سرعت و آتش» را درآورد؛ مقدمه‌ای همراه کتاب بود حاوی توضیحاتی که از بدعت‌گذاری‌هایی در آینده شعری شاعر خبر می‌داد. این اولین کتاب بهبهانی بعد از انقلاب، آشکارا تاثیرات دوره جدید تاریخ معاصر ایران را در شعرهایش نشان می‌داد. تحولات وزنی در آن کتاب و نیز در

ادامه شاعري بهبهاني دليل ماهيتي دارد و اساسا برآمده از نيازي دروني و جوشيده از درونمايه شعر است و نه صرفا اقدامي در راستاي تزئين شعر. به عبارتي، سيمين بهبهاني دست به ابداع وزنهاي تازهاي ميزند تا در عين شاعري وفادار به اصل شعر كلاسيك و سرودن در قالب موزون و مقفائي موسوم به اسم قدماي غزل، بتواند امكانات بياني تازهاي بيافريند و در آن امكانهاي تازه طبع آزمائي كند. ابتكاري كه در نوع خود كاري است و اگرچه شاعر هرگز از صرافت طبع آزمائي در قالب كلاسيك نميافتد و همچنان غزل مي نويسد اما در عين حال به چارچوبهايي از پيشتر تعيين شده عروض و وزنهاي بارها آزموده اش بسنده نمي كند و خود وزن ابداع مي كند. ...

و خلاصه اينكه بايد از وجه مردمي او هم بگوئيم و اينكه در تمام طول زندگي ادبي و هنري خود همواره با مردم بود و با مردم زيست و با فكر به آنها و دردها و شادهاي شان نوشت. دغدغهاي كه او را عمري آزاد از هر قيد و بند و بري از هر گونه وابستگي به هر قدرتي در دلهاي همين مردم جاودان كرد. «رها» چنانكه خود تعبير مي كند: «چو تخته پاره بر موج».